

Research Paper

Exploring the Themes of Democracy in the Administrative System Based on Islamic Teachings



Hamed Mohammadi^{1*}

1. PhD, Public Administration, Faculty of Management and Accounting, Islamic Azad University of Qazvin, Qazvin, Iran (*Corresponding Author).

email: mohammadi.h.16@iau.ir

DOI: 10.22034/jipas.2024.369413.1505

Received: 11/11/2023

Accepted: 09/04/2024

Abstract

Objective: Democracy is an ideal that national leaders consistently emphasize in both rhetoric and practice. The institutionalization of this ideal requires administrative systems to possess adequate administrative, economic, social, and political capacities. In this regard, the role of rulers and political leaders in building capacity and renewing the administrative system within the framework of prevailing societal values is of critical importance. Given that Iran's public sector is founded upon religious values, the primary objective of this study is to enhance democracy within Iran's administrative system in light of Islamic teachings.

Methodology: This study adopts a qualitative research approach. Since Iran's public sector is grounded in Islamic values, religious sources—specifically the Qur'an and *Nahj al-Balagha*—were consulted to explicate the themes of democracy within the administrative system. The data extracted from these texts were analyzed using thematic analysis. As the study sought to identify and uncover the underlying themes of democracy in the administrative system, it followed an exploratory research design.

Findings: Through an in-depth examination of religious sources, selected propositions were extracted from the texts. To ensure accurate interpretation, each proposition underwent multiple stages of review, monitoring, and refinement so that the implicit meanings embedded in the texts could be precisely understood by the researcher. Following coding and analysis, 21 basic themes, 14 organizing themes, and five global themes of democracy in Iran's administrative system were identified. Subsequently, a thematic network was developed across three levels: (1) the core concept (democracy); (2) five global themes—namely, the political duties of rulers toward the people, the economic duties of rulers toward the people, the managerial duties of rulers toward the people, the social duties of rulers toward the people, and the legal and juridical duties of rulers toward the people; and (3) the expansion of these global themes into 14 organizing themes, including enhancing political participation of all citizens, governance based on the will of the



people, attention to the public interest through equitable distribution of income and wealth, purification of government revenue instruments, creation of psychological security in society, self-purification and moral refinement, respect for citizens' rights, rule of law and adherence to legal principles, governmental reform through enabling public criticism, governance and social development grounded in scientific rationality, appointment of qualified individuals to public office, and the promotion of transparency in the performance of public organizations.

Conclusion: The administrative system of any country should be shaped and guided by the dominant values of its society and oriented toward serving the people; under such conditions, increased public trust and governmental legitimacy can be expected. The findings of this study can assist leaders, policymakers, and public managers in improving governance by institutionalizing democratic themes and designing the administrative and political system of the country in alignment with these principles.

Keywords: Democracy; Administrative System; Islamic Teachings; Thematic Analysis.

Citation: Mohammad, H. (2025) Exploring the Themes of Democracy in the Administrative System Based on Islamic Teachings. *Journal of Iranian Public Administration Studies*, 8(2), 105-125.

واکاوی مضامین مردم‌سالاری در نظام اداری بر اساس آموزه‌های اسلامی

حامد محمدی^۱*

۱. دکتری، مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین، قزوین، ایران.

email: mohammadi.h.16@iau.ir

DOI: 10.22034/jipas.2024.369413.1505

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۱

هدف: مردم‌سالاری آرمانی است که رهبران کشورها همواره در گفتار و کردار خود بر آن تاکید دارند و جهت نهادینه‌سازی این آرمان باید نظام اداری کشورها از ظرفیت‌های اداری، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی لازم برخوردار باشند و در این راستا نقش حاکمان و رهبران کشورها به‌منظور ظرفیت‌سازی و نوسازی نظام اداری در چارچوب ارزش‌های حاکم بر آن جامعه بسیار حائز اهمیت است و از آنجایی که بخش دولتی ایران بر اساس ارزش‌های دینی استوار گردیده است، هدف اصلی این مطالعه بر بهبود مردم‌سالاری در نظام اداری ایران در پرتو آموزه‌های اسلامی متمرکز گردید.

روش‌شناسی: در این مطالعه از شیوه پژوهش کیفی استفاده شد و از آنجایی که بخش دولتی ایران بر مبنای ارزش‌های اسلامی بنا نهاده شده است جهت تبیین مضامین مردم‌سالاری در نظام اداری به مراجع دینی همچون قرآن و نهج‌البلاغه مراجعه گردید و جهت تحلیل داده‌های مستخرج از متن مراجع از روش تحلیل مضمون بهره گرفته شد و از آنجایی که در این مطالعه در صدد کشف مضامین مردم‌سالاری در نظام اداری بوده‌ایم، هدف مطالعه اکتشافی بوده است.

یافته‌های پژوهش: با مطالعه منابع دینی، گزاره‌های منتخب از متن این اسناد احصاء گردید و جهت درک بهتر، هر یک از گزاره‌ها در چند مرحله مورد بررسی، پایش و اصلاح قرار گرفتند تا از این طریق پیام مستتر در هر یک از گزاره‌ها به‌طور دقیق توسط پژوهشگر درک گردد و پس از انجام کدگذاری‌ها و تحلیل آنها، تعداد ۲۱ مضمون پایه، ۱۴ مضمون سازمان‌دهنده و پنج مضمون فراگیر مردم‌سالاری در نظام اداری ایران تبیین گردید و سپس شبکه مضامین در سه سطح شامل: مفهوم (مردم‌سالاری)، پنج مضمون فراگیر (وظایف سیاسی حاکم در قبال مردم، وظایف اقتصادی حاکم در قبال مردم، وظایف مدیریتی حاکم در قبال مردم، وظایف اجتماعی حاکم در قبال مردم، وظایف حقوقی و قانونی حاکم در قبال مردم) و سپس انشعاب مضامین فراگیر به ۱۴ مضمون سازمان‌دهنده (بهبود مشارکت سیاسی آحاد جامعه، حکمرانی مبتنی بر اراده مردم، توجه به نفع عامه از طریق توزیع عادلانه درآمد و ثروت، سالم‌سازی ابزارهای درآمدی دولت، ایجاد امنیت روانی در جامعه، تهذیب نفس و آراستن روح از رذایل

واژگان کلیدی:

مردم‌سالاری، نظام اداری، آموزه‌های اسلامی، تحلیل مضمون.



اخلاقی، رعایت حقوق مردم، قانون‌مداری و عمل بر مبنای قانون، انجام اصلاحات در حکومت از طریق زمینه‌سازی در انتقادورزی از سوی مردم، زمامداری و ساختن جامعه بر مبنای عقلانیت علمی، بکارگیری افراد شایسته در مصادر امور حکومت، ایجاد شفافیت در عملکرد سازمان‌های دولتی) طراحی گردید.

نتیجه‌گیری: نظام اداری در هر کشوری می‌بایست بر اساس ارزش‌های حاکم بر آن جامعه و بر مبنای خدمت به مردم شکل گرفته و به حرکت در آید که در این صورت می‌توان شاهد افزایش اعتماد عمومی و مشروعیت در حکومت باشیم. یافته‌های این مطالعه می‌تواند رهبران، خطمشی‌گذاران و مدیران دولتی را در بهبود حکمرانی از طریق نهادینه‌سازی مضامین مردم‌سالاری و طراحی نظام اداری و سیاسی کشور بر مبنای این مضامین یاری دهد.

استناد: محمدی، حامد (۱۴۰۴). واکاوی مضامین مردم‌سالاری در نظام اداری بر اساس آموزه‌های اسلامی. *مطالعات مدیریت دولتی ایران*، ۸(۲)، ۱۳۵-۱۵۱.

مقدمه

شیوه‌های حکمرانی موفق که شامل شهروندان فعال می‌شود می‌تواند الهام‌بخش دیگران باشد و ایجاد و حفظ مشارکت‌های مؤثر همچنان چالشی برای شهروندان و سیاست‌گذارانی خواهد بود که برای تحول اجتماعی تلاش می‌کنند. بسیاری از شهروندان نه تنها برای تحقق بخشیدن به ارزش‌ها و مزایای مستقیم زیست‌محیطی یا اجتماعی، بلکه برای تغییر شیوه‌های حاکمیتی موجود مانند دموکراسی بیشتر، حرکت به سوی پایداری و داشتن شهری سرسبز فعال می‌شوند و با این کار، شهروندان مرتباً به دنبال به چالش کشیدن نهادهای حاکمیتی موجود هستند که می‌تواند آن‌ها را در تضاد با مقامات قرار دهد و یا تعارض منافع یا جنگ قدرت را افزایش دهد (Mattijssen et al, 2019: 1-2). درک رضایت شهروندان از خدمات عمومی برای حکمرانی مؤثر و کارآمد بسیار مهم است و پیروی از قانون، پاسخگویی، ارائه سریع خدمات، دریافت خدمات بدون دردمس بر رضایت شهروندان تأثیر مثبت دارد و مداخله محتاطانه در این عوامل برای اطمینان از رضایت بیشتر شهروندان از خدمات عمومی بسیار مهم است (Lamsal & Gupta, 2021: 78). طراحی حاکمیت مشارکتی بر مشروعیتی که شهروندان به دولت و بوروکراسی اعطا می‌کنند، تأثیر می‌گذارد (Dupuy & Defacqz, 2022: 752). امروزه مدیریت روابط شهروندی در سراسر جهان برای تقویت روابط بین دولت‌ها و شهروندان پذیرفته شده است و فرایندهای پذیرش و اجرای آن موجب بهبود عملکرد مدیریت دولتی و افزایش کارایی در ارائه خدمات عمومی می‌شود (Carvalho et al., 2020: 22). مشارکت شهروندان ضامن ورود سیاستمداران و کارگزاران دولتی به حیات سیاسی ملی و زندگی اجتماعی است. در حال حاضر بسیاری از سیاست‌های عمومی در فرایند اجرا از اهداف اولیه منحرف شده و به نتایج مطلوبی دست نیافته‌اند که یکی از دلایل مهم آن عدم مشارکت مدنی است. در فرایند اجرای سیاست‌های عمومی، شهروندان علاوه بر مشارکت منفعلانه نیاز به مشارکت فعال نیز دارند (Xiaodong, Xiaoping & Feng, 2019: 2). دموکراسی با میزان مشارکت شهروندان در فرایندهای تصمیم‌گیری سنجیده می‌شود و مداخله فعال، سطوحی از مشارکت است که در حالت ایده‌آل باید همیشه وجود داشته باشند و ساختارها و اقدامات برای حکومت را در جستجوی «خیر عمومی» تقویت کند (Álvarez-Vergnani, 2019: 78). در یک جامعه دموکراتیک، مدیران دولتی باید نقش شهروندی را ایفا کنند که می‌تواند به‌عنوان منبع مشروعیت آنان تلقی شود و این نقش می‌بایست توسط مردم دریافت و درک شود. به این وسیله، آنان «شهروندان حرفه‌ای» یا «مدیران شهروند» و امانت‌داری تلقی می‌شوند که توسط شهروندان جهت اداره جامعه انتخاب و به کار گرفته می‌شوند (Cooper & Luther Gulick, 1984: 143). دولت‌ها باید به ارزش‌های اساسی نظیر دموکراسی، حاکمیت قانون، آزادی‌های فردی، ادیان و باورهای مختلف شهروندان احترام بگذارند، به طوری که حاکمیت قانون تضمین کند که هر فردی در برابر قانون از آزادی فردی برخوردار و به ارزش و منزلت ذاتی او احترام گذارده می‌شود (کمیته شهروندمداری و مشارکت مدنی انگلستان، ۲۰۱۹: ۲۰-۱۹). عدالت اجتماعی با اعتماد شهروندان به دولت مرتبط است و در نظر گرفتن برابری اجتماعی در مدیریت دولتی برای درک بهتر اعتماد شهروندان به دولت ضروری است (Lee, 2021: 1). ادراک شهروندان از عملکرد ارائه‌دهندگان خدمات عمومی، نگرانی اصلی سیاست‌گذاران است؛ چراکه عدم ارائه خدمات توسط سازمان‌های دولتی باعث جلب توجه رسانه‌ها، بررسی دقیق توسط مدیران سیاسی و ناراضی‌تبی شهروندان می‌شود و علی‌رغم ماهیت پیچیده و چالش‌برانگیز ارائه خدمات عمومی، از سازمان‌های دولتی انتظار می‌رود که طیف وسیع و متنوعی از ارزش‌های عمومی مانند اثربخشی، کارایی، برابری و پاسخگویی را برآورده کنند (Igalla et al., 2019: 1177).

از آنجایی که در پژوهش حاضر در صدد توسعه چارچوب مفهومی از مردم‌سالاری به‌عنوان یکی از اشکال دموکراسی و شهروندمداری در اسلام بوده‌ایم، بی‌مناسبت نیست تا به این مهم اشاره شود که تمامی ادیان به مسئولیت‌ها و تکالیف متقابل شهروندان و جامعه تأکید کرده‌اند (امیری و بنافی، ۱۴۰۳) و در همین راستا، اویسانیا و آجانی (۲۰۲۲) اذعان می‌کنند که دین، شیوه‌های رفتار، روابط، حقوق و تکالیف فرد در برابر اعضای خانواده خود و یک ملت و همچنین برای ملت در مقابل سایر ملل را نهاده‌ای می‌کند و در جوامع اسلامی، مسئولیت‌ها و تکالیف فرد در قبال ملت و مسئولیت‌های ملت در قبال فرد در درجه اول است و امانت زندگی را تشکیل می‌دهد

- (Oyesanya & Ajani 2022: 2). در پژوهش حاضر سعی شد مفهوم مردم‌سالاری در پرتو آموزه‌های اسلامی مورد بررسی قرار گرفته و بر این امر تأکید شود که واژه مردم‌سالاری که در مبانی اسلامی مورد اشاره قرار گرفته، منافاتی به مفهوم نوین شهروندمداری نداشته و در همین راستا، نظام سیاسی و اداری ایران که بر مبنای ارزش‌های اسلامی بنا نهاده شده است و نقش بارزی در عرصه‌های مختلف حکمرانی کشور دارد، به‌منظور جلب اعتماد شهروندان و بهبود مشروعیت حاکمیت باید در تربیت خطمشی‌گذاران و کارگزاران دولتی در مقام خادم و خدمتگزار کوشا باشد. به این‌منظور، سؤال‌های پژوهش به شرح زیر تبیین شد:
- یافته‌های پژوهش، وظایف حاکم در قبال مردم را در قالب مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر مردم‌سالاری براساس آموزه‌های اسلامی چگونه تبیین می‌کند؟
 - یافته‌های پژوهش، شبکه مضامین مردم‌سالاری در نظام اداری را چگونه تبیین و ترسیم می‌کند؟

چارچوب نظری پژوهش

فرهنگ لغت آکسفورد، شهروند را به‌عنوان «ارتباط حقوقی بین یک فرد و یک کشور با جامعه سیاسی خاص» تعریف می‌کند. به این ترتیب، شهروندان به‌عنوان مشارکت‌کنندگان در امور ملی تلقی می‌شوند. شهروندان و شهروندی با هم متولد می‌شوند. مارکس، درک عمیقی از شهروندان دارد و به‌زعم او، مردم در یک سازمان دوگانه قرار دارند. آن‌ها به‌عنوان شهروند در امور ملی در سازمان‌های دولتی حضور می‌یابند و از حقوق عمومی برخوردارند و به‌عنوان ساکنین می‌توانند از حقوق زندگی، سلامتی و آزادی مالکیت برخوردار شوند (Gao, 2021: 622-623). شهروندی موضوعی ایستا نیست بلکه یک نهاد حقوقی و اجتماعی است که به‌طور پویا در زمینه‌های وفاداری تا شهروندی فراملی، جهانی، زیست‌محیطی و الکترونیکی در حال توسعه است (Bokov, 2019: 1). مردم‌سالاری به‌معنای در نظر گرفتن نیازها و صدای مردم هنگام طراحی، اجرا و ارزیابی سیاست‌ها و خدمات عمومی است و دولت‌ها می‌توانند این کار را با مشارکت مستقیم شهروندان در فرایندهای تصمیم‌گیری و با جمع‌آوری و تجزیه‌وتحلیل داده‌هایی انجام دهند که هم برای ارزیابی عملکرد سیاست‌ها و خدمات در برابر نیازها و انتظارات مردم و هم برای پیش‌بینی این نیازها مورد استفاده قرار گیرد. به‌طور کلی، رویکرد مردم‌سالاری رویکردی است که در آن دولت‌ها با شهروندان در مورد نیازهایشان مشورت و مشارکت مستقیم آن‌ها را در سیاست‌گذاری و طراحی و ارائه خدمات تشویق می‌کنند (OECD, 2019: 27). موضوع شهروندی در شریعت اسلامی، توسعه نیافته و یک موضوع تحولی معاصر است (Kamali, 2013: 149)، و شهروندی یک ساختار نسبتاً مدرن در اندیشه سیاسی اسلام است که معمولاً با غیرمسلمانانی مرتبط است که یا در یک کشور مسلمان یا در کشوری تحت حکومت اسلامی زندگی می‌کنند (Al-Anani, 2018: 25-26). ممکن است قرآن موضوع شهروندی را نامشخص گذاشته باشد، اما جایگاه انسان در قرآن به‌عنوان «نائب خداوند در زمین» مورد تأکید قرار گرفته است (Oyesanya & Ajani, 2022: 9).

نظام اداری بیانگر ادراک و نگرش حاکمان و کارگزاران دولتی در نحوه اداره جامعه است و بی‌تردید نقش نظام اداری در ساختار اقتصادی، سیاسی، حقوق و قانونی جامعه و بهبود کیفیت حکمرانی بسیار حائز اهمیت است. در نظام اداری ایران می‌توان از جنبه سیاسی و حقوقی رگه‌های خفیفی از شهروندمداری را طبق برنامه ارتقا و حفظ کرامت مردم در نظام اداری به‌عنوان یکی از برنامه‌های هفت‌گانه تحول اداری (۱۳۸۱) و تصویب‌نامه حقوق شهروندی در نظام اداری (۱۳۹۵) ملاحظه کرد.

سیر تکاملی شهروندمداری را می‌توان در رویکردهای مدیریت دولتی ملاحظه کرد. در الگوی سنتی، اداره امور دولتی از طریق یک سلسله مراتب اداری، کنترل‌های شدید سیاسی و قضایی توسط دیوان‌سالاری بر کارکنان دولتی و شهروندان اعمال می‌شد و سپس با ظهور اندیشمندانی نظیر ماکس وبر^۱ در آلمان با طرح موضوع شایسته‌سالاری و استخدام براساس آزمون و فرصت‌های برابر، و ویلسون^۲ (۱۸۸۷) در آمریکا با طرح موضوع جدایی سیاست از اداره و پرهیز از نظام حزبی بر مبنای وفاداری و همچنین تحقق منافع ملی، می‌توان

1. Max weber
2. Willson

رگه‌هایی از شهروندمداری در رویکرد سنتی اداره امور دولتی را ملاحظه کرد، اما همچنان الگوی سنتی اداره امور دولتی با نارسایی‌هایی نظیر ناتوانی در تأمین نیازهای شهروندان و کاهش اعتماد عمومی مردم به سازمان‌های دولتی با انتقادهای زیادی مواجه شد (Hughes, 1998). از سال ۱۹۹۰ با ظهور رویکرد مدیریت دولتی نوین موضوع شهروندمداری از جنبه اقتصادی و عقلانیت ابزاری مورد توجه قرار گرفت و نظام اداری شاهد مقررات‌زدایی، خصوصی‌سازی و تعدیل نیروی انسانی بوده است. دولت در برخی از کشورها مانند انگلستان (۱۹۹۲) به منظور بهبود کیفیت خدمات عمومی منشور شهروندی را تصویب کرد (Sharma, 2012: 3)؛ اما همچنان رویکرد مدیریت دولتی نوین از ابعاد سیاسی و برقراری عدالت اجتماعی مورد انتقاد شدید بوده است. از سال ۲۰۰۰ با حضور شکل سوم جامعه یا همان جامعه مدنی و با حضور شهروندان در اداره امور جامعه، رویکرد ارزش‌های عمومی مبتنی بر حکمرانی خوب پدیدار شده و مبنای همچون مشارکت شهروندان، پاسخگویی، حاکمیت قانون و شفافیت مورد توجه قرار می‌گیرد و می‌توان اذعان داشت که این رویکرد ریشه در اخلاقیات نظیر خادمیت و خدمتگزاری از سوی مدیران دولتی دارد و مدیران دولتی باید به نقش شهروندی خود به‌عنوان خادمان عمومی توجه کنند (Denhardt & Denhardt, 2000). صاحب‌نظرانی همچون روزنبلوم^۱ (۱۹۸۹ و ۲۰۱۰) با تبیین رویکرد حقوقی به مدیریت دولتی، حفظ و صیانت از حقوق مردم را به‌عنوان رسالت اصلی دولت مطرح می‌کنند و سه شرط اصلی برای تحقق شهروندمداری شامل: (۱) رعایت انصاف و حمایت از مردم برای این که با آن‌ها به‌طور غیرقانونی رفتار نشود؛ (۲) رعایت حقوق مردم در چارچوب قانون اساسی؛ (۳) رعایت مساوات در مقابل قانون، را مورد توجه قرار می‌دهند.

در پژوهش حاضر موضوع مردم‌سالاری در اسلام که معادل واژه شهروندمداری است مورد بررسی قرار گرفته و سپس شبکه مضامین مردم‌سالاری در نظام اداری ترسیم شد. در همین راستا، باید اذعان داشت که درخصوص موضوع مردم‌سالاری همواره دو واژه «رعیت» و «راعی» به‌عنوان سازه‌های اصلی مردم‌سالاری در اسلام مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. در فرهنگ لغت دهخدا (۱۳۷۹) و معین (۱۳۸۶)، واژه «رعیت» به‌معنای عامه مردم آمده که دارای سرپرست هستند و واژه «راعی» به‌معنای نگهبان، پشتیبان و حاکم است. واژه «رعیت» در دوره‌های متأخر تاریخ ایران، کلمه‌ای تحقیرآمیز قلمداد می‌شد، اما در روایت اسلامی هدف کوچک شمردن و حقیر دانستن مردم نیست بلکه واژه‌ای جهت تکریم و بزرگ داشتن مردم قلمداد می‌شود و از جنبه لغوی «رعیت» هم‌خانواده واژه رعایت است و واژه «راعی» به‌معنای حاکم است یعنی کسی که باید حقوق مردم را رعایت و کرامت آنان را حفظ کند (دلیر، ۱۳۹۳: ۶۴). واژه «راع» و «رعیت» در حدیث «کلکم راعٍ و کلکم مسؤولٌ عن رعیته» بیان شده که براساس آن تمامی افراد جامعه نسبت به یکدیگر دارای وظایف و مسئولیت‌هایی هستند (بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۲۸؛ به نقل از بهجت، ج ۲، ص ۶۸). در توصیف واژه «راع» باید اذعان داشت که حاکم به کسی اطلاق می‌شود که خدمتگزار مردم بوده و خود را در قبال توده مردم متعهد دانسته و با آنان از روی مهرورزی رفتار کند و در ارائه خدمات به مردم اصل برابری، عدالت و کرامت انسانی را به‌دور از گوناگونی موجود در جامعه (رنگ، نژاد، مذهب و قومیت) مورد توجه قرار دهد و از این‌رو باید حکومت نزد حاکم به‌عنوان امانت تلقی شود و خود را در صیانت از جان و مال مردم و همچنین در برابر انجام اقدامات و اتخاذ تصمیم‌ها در قبال مردم مسئول بداند و از طرفی دیگر، نباید رعیت را افرادی تابع و فرمانبر دانست بلکه باید برای رعیت یک نقش فعال قائل شد که براساس آن به تکالیف و حقوق شهروندی خود آشنا بوده و ضمن توجه به وظایف سیاسی و اجتماعی خود، حاکمان را در مقام پاسخگویی قرار می‌دهد (واعظی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۲). در اسلام، صداقت حاکمان اهمیت بسیاری دارد و اگر حکمرانان رفتار فریبکارانه داشته باشند، دروغ و تزویر بر جامعه حکمفرما می‌شود و یکی از دلایل فساد سیاسی و نابسامانی‌های اجتماعی عدم شفافیت اطلاعاتی است (امینی، ۱۳۸۷).

با توجه به اهمیت موضوع مردم‌سالاری از دیدگاه اسلام، بی‌مناسبت نیست تا در ادامه برخی از مهم‌ترین و بارزترین زمینه‌های مردم‌سالاری در مبنای اسلامی مورد بررسی قرار گیرد.

¹ Rosenbloom

جایگاه مردم‌سالاری در قرآن

یکی از مهم‌ترین آموزه‌های دینی توجه به منزلت انسان‌هاست و در این زمینه در قرآن آمده است: «و همانا فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا (بر مرکب‌ها) حمل کردیم و از چیزهای پاکیزه روزی‌شان دادیم و آنان را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری کامل دادیم» (اسراء، ۷۰). برخی آیات نیز تأکید می‌کنند توزیع درآمد و ثروت به‌طور غیرعادلانه در اختیار اغنیا قرار نگیرد، به‌طوری که در قرآن آمده است: «آن‌چه را خداوند از اهل آبادی‌ها به رسولش بازگرداند، پس برای خدا و برای رسول و برای خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و در راه‌ماندگان است تا (این اموال) تنها میان ثروتمندان شما در گردش نباشد و آن‌چه پیامبر برای شما آورده، بگیرید و آن‌چه شما را از آن بازداشته، ترک کنید و از خدا پروا کنید که خداوند، سخت‌کیفر است» (حشر، ۷). اسلام بر حق زیستن تأکید می‌کند و آن را از حقوق معنوی شهروندان می‌داند. قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: «مردم حق دارند در یک محیط امن و با آرامش از مواهب هستی بهره‌مند شوند و به‌طریق دلخواه خود به کسب‌وکار بپردازند». قرآن به مالکیت خصوصی و حق همگانی در بهره‌برداری از منابع طبیعی تأکید دارد و در این راستا می‌فرماید: «اوست آن‌کس که آن‌چه در زمین است، همه را برای شما آفریده، سپس به آفرینش آسمان پرداخت و آن‌ها را به صورت هفت آسمان، استوار کرد و او بر هر چیزی آگاه است» (بقره، ۲۹). خداوند درباره آزادی در انتخاب دین می‌فرماید: «در (پذیرش) دین، اگر اهل نیست، همانا راه رشد از گمراهی روشن شده است، پس هر که به طاغوت کافر شود و به خداوند ایمان آورد، قطعاً به دستگیری محکمی دست یافته، که گسستی برای آن نیست، و خداوند شنوای دانا است» (بقره، ۲۵۶). اگر حکومت به مفهوم سلطه و خودکامگی باشد، رفتارهای سلطه‌گرایانه آمرانه در رفتار و مناسبات حکومتی ظهور می‌کند و اگر حکومت به مفهوم مشارکت، هدایت و خدمت باشد، رفتارهای خاص این ویژگی‌ها شکل می‌گیرد. در قرآن کریم، مسلمانان موظف شده‌اند تا در کارهای نیک همکاری کنند، ولی کمک کردن در اهداف باطل و کارهای نادرست، ممنوع است، هر چند مرتکب آن دوست نزدیک یا برادر انسان باشد (مائده، ۲). تأمین امنیت از جمله حقوق اجتماعی مردم است و در چنین محیطی است که انسان می‌تواند به کمال خود بیاندیشد. در این زمینه قرآن می‌فرماید: «و (به یاد آور) هنگامی که ابراهیم گفت: پروردگارا این (سرزمین) را شهری امن قرار ده و اهل آن را، آنان که به خدا و روز آخرت ایمان آورده‌اند، از ثمرات (گوناگون) روزی ده. (اما خداوند) فرمود: به آن‌هایی که کافر شوند (نیز) بهره اندکی خواهم داد. سپس آن‌ها را به قهر به سوی عذاب آتش می‌کشانم و چه بد، سرانجامی است» (بقره، ۱۲۶). قرآن در جایی دیگر می‌فرماید: «آیا ندیدند که ما حرمی امن قرار دادیم و حال آن‌که مردم از اطرافشان ربوده می‌شدند؟! پس آیا به باطل ایمان می‌آورند و به نعمت خداوند کفر می‌ورزند؟» (عنکبوت، ۶۷). رفتارهایی که براساس مدارا و دوستی در جامعه صورت می‌پذیرد، سازنده‌ترین عامل اصلاح اجتماعی است. در این زمینه خداوند در قرآن می‌فرماید: «پس به‌خاطر رحمتی از جانب خدا با مردم مهربان گشته‌ای و اگر خشن و سنگدل بودی، (مردم) از دور تو پراکنده می‌شدند» (آل عمران، ۱۵۹). در خصوص اهمیت شور و مشورت، در قرآن کریم آیات چندی مورد توجه قرار گرفته است. قرآن در جایی می‌فرماید: «و کسانی که دعوت پروردگارش را اجابت کرده و نماز را بر پا داشته و کارشان با مشورت میانشان انجام می‌گیرد و از آن‌چه روزیشان داده‌ایم انفاق می‌کنند» (شوری، ۳۸). قرآن در جایی دیگر می‌فرماید: «بلقیس گفت: ای بزرگان! در کارم نظر دهید که بی‌حضور شما (تاکنون) کاری را فیصله نداده‌ام» (نمل، ۳۲). صداقت و راستی از ویژگی‌های ممتاز رفتار انسانی است که در آموزه‌های اسلامی نیز از ویژگی‌های بارز اصلاح رفتارهای فردی و اجتماعی افراد محسوب می‌شود. در این زمینه در قرآن چنین آمده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید. نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگویید که عمل نکنید» (صف، آیات ۲ و ۳).

جایگاه مردم‌سالاری در نهج‌البلاغه

در اسلام، ظلم به دیگران مذموم است و همگان به رعایت حقوق و رفتار عادلانه موظفند و حضرت علی (ع) در این زمینه به مالک می‌فرماید: «انصاف و عدالت را بین خدا و مردم از یک‌سو و خود و نزدیکان از سوی دیگر، مراعات کن» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). اصل آزادی از اصول اولیه اسلام است که امام علی (ع) بر آن تأکید می‌کردند و در نامه‌ای می‌فرماید: «هرگز بنده دیگری نباش، چرا که

خداوند تو را آزاد آفریده است» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). انسان از آن جهت مکرم است که مکلف است و تکریم انسان به معنای رهایی او از دامن هوس‌ها و تمنیات نفسانی نیست (نهج البلاغه، نامه ۱۲)، و هم سازوکارهای حکومتی را برای حفظ کرامت مردم لازم می‌داند (نهج البلاغه، خطبه ۴۰). طبق بیان صریح حضرت علی (ع)، دولت‌ها موظفند تا مردم را از کلیه امور جامعه و تصمیم‌ها، به‌غیر از اطلاعات نظامی - امنیتی مطلع کنند. حضرت علی (ع) در این خصوص می‌فرماید: «بدانید حق شماست بر من که چیزی را از شما نپوشانم، جز راز جنگ که از پوشاندن آن ناگزیرم» (نهج البلاغه، نامه ۵۰). حضرت علی (ع) برای مشورت و استفاده از تفکر علمای کشور به مالک اشتر می‌فرماید: «درباره آن‌چه کار شهرهایت را استوار دارد و نظمی را که مردم پیش از تو بر آن بوده‌اند، برقرار کند، با دانشمندان فراوان گفت‌وگو کن و با حکیمان فراوان سخن در میان نه» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). حضرت علی (ع) در اطاعت از قانون به کنترل درونی افراد، نظارت الهی را به آنان یادآوری می‌کند و می‌فرماید: «از معصیت خدا در خلوتگاه‌ها بپرهیزید؛ چرا که هم شاهد و هم حاکم و دادرس است». حضرت علی (ع) در خصوص آیین کشورداری می‌فرماید: «در قوانین مدون جهان تنها هدف قانونگذاران اجرای قانون و تحقق آن است، چه این اجرا و الزام صورت بگیرد و یا با علاقه و درخواست قلبی و درونی باشد؛ به‌کارگیری قلبی و ایمانی است، نه براساس اجبار و الزام» (نهج البلاغه، حکمت ۳۲۴). حضرت علی (ع) به مأموران مالیاتی گوشزد می‌کند که با پرهیزگاری و با رضایت از مردم مالیات بگیرند و می‌فرماید: «با پرهیزگاری مالیات بگیر؛ مسلمانی نباید بترسد؛ باید هر کجا که گام می‌گذاری، با رضایت مردم مواجه شوی؛ در آن‌جا که آب هست فرود آی و به خانه‌های مردم مرو؛ چون آن‌جا منزل کردی، با وقار و متانت به‌سوی ایشان برو؛ سلام کن و آنان را درود بفرست؛ و بگو: ای بندگان خدا، مرا ولی خدا فرستاده است که اگر حقی از خداوند در مال شما هست، بگیرم؛ اگر کسی گفت بدهکار نیستم، دیگر کاری نداشته باش؛ و اگر گفت که نه، من بدهکارم، با او برو؛ ولی او را ترسان و بر او سخت مگیر و به دشواری رفتار مکن» (نهج البلاغه، نامه ۲۵). حضرت علی (ع) معتقد بودند که کارگزاران نباید جو خفقان به‌وجود آورند و جلوی انتقاد مردم را بگیرند، زیرا آثار شوم و پیامدهای ناگوار به‌دنبال خواهد داشت و خطاب به مالک می‌فرماید: «بخشی از وقت خود را خاص کسانی کن که به تو نیاز دارند. خود را برای کار آنان فارغ دار ... و سپاهیان و یارانت را که نگرهبانانند یا تو را پاسبانانند از آنان بازدار تا سخنگوی آن مردم، در گفتار با تو گفتگو کند» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). نزد حضرت علی (ع) هیچ خطری برای جامعه، همچون خطر به‌کارگیری افراد ناهل یا ناشایست نیست. آن حضرت در نامه‌ای به مالک اشتر چنین هشدار داده است: «من بیم آن دارم که نابخردان و نابکاران زمام امور این ملت را به‌دست آرند و مال خدا را دست‌به‌دست گردانند و بندگان او را بردگان خود گیرند و با صالحان به دشمنی برخیزند و فاسقان را حزب خود قرار دهند» (نهج البلاغه، نامه ۶۲). مسئولیت‌پذیری کارگزاران در ارتباط متقابل و منسجم با مسئولیت‌پذیری مردم معنا می‌یابد و اساسی‌ترین نتیجه مسئولیت‌پذیری حاکمان، پاسخگویی در مقابل مردم است. حضرت علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «شما نه فقط در برخورد با انسان‌ها، بلکه در رابطه با سرزمین‌ها و چهارپایان نیز باید در برابر حق و خلق پاسخگو باشید» (نهج البلاغه، نامه ۱۶۷). میان‌روی در نیکویی و مدح دیگران به قصد تشویق آن‌ها به استمرار عمل نیک‌شان پسندیده است، اما گاهی تمجیدها آفاتی نظیر غرور و خودبزرگ‌بینی به‌دنبال خواهند داشت که باید از آن پرهیز کرد. امیرالمؤمنین (ع) در این باره فرمودند: «چه بسیار افرادی که از ستودن دیگران فریفته و دچار فتنه شده‌اند» (نهج البلاغه، حکمت ۴۷۱). ریاست اگر با نیت خدمت به خلق باشد، امری پسندیده است و از ضروریات زندگی اجتماعی است، اما اگر ریاست‌طلبی جهت حاکمیت بر مردم و برای کسب قدرت باشد، موجب نکوهش قرار خواهد گرفت. در این زمینه امام علی (ع) می‌فرماید: «از مساوات‌انگاری با خداوند، در بزرگی فروختن و شبیه‌انگاری با او، در جبروتش، دوری کن، زیرا خداوند، سرکشان را خوار و خودبینان را دلیل می‌کند» (نهج البلاغه، حکمت ۲۷۰)، و در جایی دیگر می‌فرماید: «مقام، آزمایشی برای حاکم است و خداوند به‌واسطه تسلط او بر مردم، وی را در معرض آزمایش قرار داده است» (نهج البلاغه، نامه ۵۰). یکی از وظایف اصلی حاکم، مراعات حقوق عامه به‌جای توجه به منافع و مصلحت افراد و گروه‌های خاص است و حاکم باید با برقراری مقررات نسبت به تأمین حقوق عامه اهتمام ورزد. حضرت علی (ع) در این خصوص می‌فرماید: «باید از کارها، آن را بیشتر دوست بداری که نه از حق بگذرد و نه فرو ماند و عدالت را فراگیرتر بود و رعیت را دلپذیرتر، که ناخشنودی همگان، خشنودی نزدیکان را بی‌اثر گرداند و خشم نزدیکان، خشنودی همگان را زینانی نرساند» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

و در جایی دیگر اشاره می‌کنند: «والی را نزدیکان و خویشاوندانی است که خوی برتری جستن دارند و گردن‌فرازی کردن و در معاملات، انصاف را کمتر به کار بستن، ریشه ستم اینان را با بریدن اسباب آن برآر» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). حاکم در جایگاهی قرار دارد که براساس آن می‌تواند از اوضاع و احوال مردم آگاهی یابد و از این‌رو، با توجه به این موقعیت اجتماعی، حاکم نباید در صدد یافتن اسرار مردم باشد و اگر عیبی از رفتار مردم برای وی آشکار شد، باید در پرده‌پوشی آن اهتمام ورزد. حضرت علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «در مردم عیبی وجود دارد که حاکم سزاوارترین فردی است که باید در پوشاندن آن‌ها بکوشد و در صدد مباحث کارهای پنهانی آن‌ها را بفهمی، زیرا تنها وظیفه داری در اصلاح آن‌چه برایت آشکار می‌شود، بکوشی و در موارد مخفی خداوند حکم می‌کند، تا می‌توانی عیوب را بپوشان، تا خداوند عیبی را که دوست داری از مردم مخفی بماند، بپوشاند» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). اداره امور جامعه نیازمند دانش و آگاهی است و حاکم با ارتقای سطح دانش حکمرانی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و ... می‌تواند جامعه را به‌طور شایسته اداره کند. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «با علما زیاد به گفتگو بنشین و با حکما و دانشمندان بسیار بحث و از آن‌ها استفاده کن، تا آن‌چه امور مملکت را اصلاح می‌کند، تثبیت کنی و آن‌چه را مردم، قبل از تو بر پا داشته‌اند، بر پا داری» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳ و ۶۷).

درخصوص پیشینه تجربی این مطالعه، برخی از پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط مورد بررسی قرار می‌گیرد. طوسی (۱۳۷۰) در مطالعه‌ای به بررسی جایگاه دیوان‌سالاری (بوروکراسی) در اصول سیاسی مردم‌سالاری می‌پردازد و با دفاع از نقش دیوان‌سالاری در توسعه جوامع، اذعان می‌کند که دیوان‌سالاری می‌تواند با مردم‌سالاری سازگار شود. عباسی (۱۳۸۷) در پژوهشی با رویکرد حقوقی به روش‌های مردم‌سالاری پرداخته و اعمال حاکمیت مستقیم توسط مردم را در مواردی نظیر مجلس مردمی، برکناری نماینده منتخب توسط مردم، وتو یا پیشنهاد قانون توسط مردم، همه‌پرسی در سطح ملی و محلی بیان می‌کند. جلالی و ضیائی (۱۳۹۲) با رویکرد حقوقی به نقش آمبودزمان‌ها در جامعه می‌پردازند و اذعان می‌کنند که آمبودزمان‌ها با بررسی فراقضائی شکایت‌های شهروندان علیه مقامات و دستگاه‌های اجرایی، به‌عنوان یک قسمت غیرقابل انکار از روش‌های حمایت از حقوق شهروندان تلقی می‌شوند و ایجاد یک نظام مردم‌سالار بدون وجود آمبودزمانی کارآمد و مستقل امکان‌پذیر نخواهد بود. نتایج پژوهش محمدی، مزیدی و بهشتی (۱۳۹۷) نشان داد که اسلام و مکتب عمل‌گرایی^۱ دارای تفاوت‌هایی با یکدیگر هستند، اما در عرصه تعلیم و تربیت و از جمله تربیت شهروندی شباهت‌هایی دارند. یافته‌های پژوهش محمدی (۱۳۹۷) نشان داد که تناسب بین گفتار و کردار حاکمان و کارگزاران دولتی می‌تواند موجب کاهش شکاف بین حکومت و مردم شود. یافته‌های پژوهش محمدی‌مقدم، بهره‌مند و افضل‌گروه (۱۴۰۰) حاکی از آن بود که قانون‌گرایی، عدالت، برابری افراد جامعه نسبت به یکدیگر و قانون، تقسیم کار، وجود کارگزاران لایق و دانشمند، و امکان انتقاد، از مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه شهروندمدار است. انسیتوی صلح ایالات متحده^۲ در گزارشی ویژه (۲۰۰۲) بیان می‌کند که ساخت دموکراسی در بیشتر کشورهای مسلمان یک مبارزه دشوار است و پیشرفت در آزادسازی جوامع، نوسازی اداری و توسعه زیرساخت‌ها عموماً کند و محدود بوده و روندهای دموکراتیک در سراسر جهان در بیشتر موارد نتوانسته است فرهنگ سیاسی اقتدارگرا و مردسالارانه را در کشورهای مسلمان تغییر دهد و ضعف دموکراسی در بیشتر این کشورها در خشونت سیاسی، نقض حقوق بشر و سوءاستفاده از مناصب دولتی مشهود است. یافته‌های پژوهش چن و یانگ^۳ (۲۰۱۶) نشان داد که علی‌رغم پایین بودن سطح کنونی دموکراسی در کشورهای اسلامی، اسلام مانعی برای تحقق دموکراسی در این کشورها نیست و کشورهای اسلامی می‌توانند به‌طور مؤثری دموکراسی را با بهبود آموزش، به حداقل رساندن شکاف جنسیتی، کنترل رشد جمعیت یا تبدیل شدن به صادرکننده نفت مشابه کشورهای غیراسلامی ارتقا دهند. نتایج پژوهش خداوردیان^۴ (۲۰۲۲) حاکی از آن است که کشورهای مسلمان به‌طور متوسط سطح دموکراسی

¹ Pragmatism

² United States Institute of Peace

³ Chen & Yang

⁴ Khodaverdian

پایین‌تری نسبت به سایر کشورها دارند و سطح پایین دموکراسی در کشورهای مسلمان باید به‌دلیل ویژگی‌های ثابت باشد و نمی‌توان آن‌را با اسلام مرتبط کرد.

جدول ۱. خلاصه پیشینه تجربی

پژوهشگر(ان)	سال	یافته‌ها
طوسی	۱۳۷۰	بین دیوانسالاری و دموکراسی سازگاری وجود دارد.
عباسی	۱۳۸۶	مردم‌سالاری از طریق اعمال حاکمیت مستقیم مردم در فرایندهای قانونگذاری
جلالی و ضیائی	۱۳۹۲	ساخت جامعه مردم‌سالار از طریق ایجاد نهادهای قضایی مستقل
محمدی، مزیدی و بهشتی	۱۳۹۷	شبهات اسلام و پراگماتیسم در زمینه تربیت شهروندی
محمدی	۱۳۹۷	کاهش شکاف بین حاکمیت و مردم از طریق یکپارچگی بین گفتار و رفتار حاکمان
محمدی‌مقدم، بهره‌مند و افضل‌ی‌گروه	۱۴۰۰	مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه شهروندمدار شامل: قانونگرایی، برابری افراد جامعه نسبت به یکدیگر و قانون، وجود کارگزاران لایق و دانشمند، و امکان انتقاد می‌باشد
انستیتوی صلح ایالات متحده	۲۰۰۲	ضعف و سطح پایین دموکراسی در کشورهای مسلمان
چن و یانگ	۲۰۱۶	اسلام مانعی برای تحقق دموکراسی در کشورهای مسلمان نمی‌باشد
خداوردیان	۲۰۲۲	کشورهای مسلمان در مقایسه با سایر کشورها دارای سطح پایین‌تری از دموکراسی می‌باشند، اما اسلام مانعی برای دموکراسی نمی‌باشد.

در مطالعه حاضر سعی شد تا موضوع مردم‌سالاری در سطح کلان یعنی حاکمیت و نظام اداری کشور مورد بررسی قرار گیرد؛ ضمن این‌که در پژوهش حاضر رویکرد بوم‌شناسانه به نظام اداری ایران نیز مورد توجه قرار گرفت و از آن‌جایی‌که نظام حکمرانی کشور بر مبنای ارزش‌های اسلامی استوار است، به این منظور موضوع مردم‌سالاری در نظام اداری ایران در پرتو آموزه‌های اسلامی مورد مطالعه قرار گرفت؛ ضمن این‌که در سایر پژوهش‌ها موضوع شهروندمداری و مردم‌سالاری صرفاً در زمینه‌های حقوقی و سیاسی مورد بررسی قرار گرفتند، اما در این مطالعه سعی شد تا موضوع مردم‌سالاری با رویکرد وظایف حاکمان در قبال مردم مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد که از این منظر، مطالعه حاضر رویکرد جدیدی را در مقایسه با سایر پژوهش‌ها مورد توجه قرار داد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر نوعی شیوه پژوهش کیفی محسوب می‌شود و در زمره پژوهش‌های تفسیری قرار می‌گیرد و با توجه به این‌که از جزء به کل حرکت کردیم، رویکرد پژوهش استقرایی است. از آن‌جایی‌که در پژوهش حاضر به دنبال کشف مضامین مردم‌سالاری از طریق مراجعه به منابع دینی (شاهسواری و پورعزت، ۱۳۹۹) شامل قرآن و نهج‌البلاغه بوده‌ایم، هدف پژوهش، اکتشافی است. پژوهش حاضر به لحاظ راهبرد از روش تحلیل مضمون استفاده می‌کند که فرایندی برای تحلیل داده‌های کیفی است. مضمون یا تم بیانگر چیز مهمی در داده‌ها درخصوص سؤال‌های پژوهش است و مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد. از آن‌جاکه تحلیل مضمون، تحلیلی کیفی است، پاسخ روشن و صریحی در مورد این‌که تعداد داده‌های مناسب و مورد نیاز چقدر است که بر وجود مضمون یا اطلاق آن دلالت کند، وجود ندارد. به‌طور آرمانی مضمون را می‌توان در چندین مورد از مجموع داده‌ها مشاهده کرد، اما آن‌چه اهمیت دارد، معنا و مفهوم مضمون است. در این مطالعه، روش نمونه‌گیری، کیفی است که به‌طور نظری براساس مفاهیمی که در خلال تحلیل داده‌ها ایجاد

شده‌اند، رشد کرده است، به‌گونه‌ای که ضمن تفسیر و تحلیل داده‌ها، کفایت حاصل شد. برای سنجش پایایی با قابلیت اعتماد، نخست، سطر به سطر متون منتخب مطالعه شد و کدگذاری دستی انجام گرفت و در نهایت، شبکه مضامین به دست آمده در اختیار دو نفر از اساتید پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که دارای رتبه دانشیاری در رشته مدیریت دولتی و پیشینه پژوهشی در زمینه نظام اداری با رویکرد اسلامی بوده‌اند، قرار داده شد و براساس نظرات آنان، مضامین احصاشده مورد اصلاح قرار گرفتند. به منظور سنجش انسجام درونی داده‌ها، هر یک از مضامین فراگیر، سازمان‌دهنده و پایه تبیین شده از طریق اهداف و سؤال‌های پژوهش، پیشینه نظری و تجربی پژوهش تأیید شدند و جهت صحت‌گذاری بیشتر نیز قبل از انجام فرایند کدگذاری، دیدگاه‌ها و رهنمودهای خبرگان مورد توجه قرار گرفت. به منظور اعتبارسنجی الگوی پژوهش از معیارهای چهارگانه (±) شامل؛ (۱) باورپذیری: بررسی معقول بودن یافته‌ها؛ (۲) انتقال‌پذیری: بررسی کاربردی بودن یافته‌ها در موقعیت (محیط) دیگر؛ (۳) اطمینان‌پذیری: امکان بازبینی سایر پژوهشگران؛ (۴) تأییدپذیری: رسیدگی جهت اثبات کیفیت پژوهش، استفاده شد. در همین راستا، اعتبارپذیری در این مطالعه طبق معیارهای چهارگانه به شرح زیر است: (۱) باورپذیری: مضامین مردم‌سالاری در نظام اداری با بررسی آموزه‌های اسلامی شامل قرآن و نهج‌البلاغه با محوریت وظایف حاکم در قبال مردم، طی پنج ماه مورد احصا قرار گرفت و در این مدت نیز پژوهشگر به‌طور مداوم با اساتید پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در خصوص تبیین مضامین در تعامل مؤثر بوده است؛ (۲) انتقال‌پذیری: به منظور حصول اطمینان از تبیین مضامین، نظر اساتید متخصص با موضوع پژوهش اخذ شد؛ (۳) اطمینان‌پذیری: تمامی یادداشت‌برداریهایی حاصل از آموزه‌های اسلامی ثبت و درج شد؛ (۴) تأییدپذیری: علاوه بر ثبت گزاره‌ها، انسجام درونی یافته‌ها به کمک اساتید مورد صحت‌گذاری قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

در مطالعه حاضر، موضوع مردم‌سالاری در نظام اداری به صورت توصیفی و تحلیلی و با استفاده از روش تحلیل مضمون و مطابق آموزه‌های اسلام مورد بررسی قرار گرفت. پس از مطالعه متون، گزاره‌های مرتبط با مردم‌سالاری با محوریت وظایف حاکم در قبال مردم احصا شد. برای کدگذاری از روش دستی استفاده شد. به این منظور، ابتدا گزیده هر یک از عبارات تنظیم شد تا از این طریق پژوهشگر پیام اصلی و مستتر در هر یک از گزاره‌ها را درک کند. در این مرحله، پژوهشگر جهت اطمینان از درک گزیده‌ها، هر یک از عبارات را چند بار بررسی و مرور کرد. در ادامه، مضامین پایه یا تم‌های بالقوه احصا شد که در پژوهش حاضر، تعداد ۲۱ مضمون پایه شناسایی شد. پس از بازبینی و تحلیل مضامین پایه، تعداد ۱۴ مضمون سازمان‌دهنده تبیین و با بررسی مجدد هر یک از مضامین سازمان‌دهنده نسبت به ادغام مضامین مشابه اهتمام و در نهایت تعداد پنج مضمون فراگیر به‌عنوان سازه‌های اصلی مردم‌سالاری در نظام اداری حاصل شد. دستورالعمل کدگذاری طبق جدول ۲ نشان داده شده است. سپس پژوهشگر جهت انجام فرایند کدگذاری به هر یک از این اسناد، کد ویژه‌ای را تخصیص داده است.

جدول ۲. دستورالعمل کدگذاری

عنوان متون	حروف تخصیص یافته	حرف و اعداد فرعی تخصیص یافته
قرآن	Q	اولین حرف سوره و عدد آیه مربوطه
نهج‌البلاغه	N	نامه = Letter (L) + عدد مربوطه خطبه = Sermon (S) + عدد مربوطه حکمت = Wisdom (W) + عدد مربوطه

ماخذ: یافته‌های پژوهش

در همین راستا، جهت درک بهتر فرایند کدگذاری در پژوهش حاضر، نمونه‌ای از کدهای مستخرج از متون طبق جدول ۳ ارائه می‌گردد.

جدول ۳. نمونه‌ای از کدگذاری انجام شده

متن	حفظ عزت مردم یک تکلیف انسانی و وظیفه حکومتی است
مضمون پایه	رعایت کرامت انسانی
مضمون سازمان‌دهنده	مهرورزی با مردم
مضمون فراگیر	وظایف اجتماعی حاکم در قبال مردم
کدهای تخصیص یافته	Q (B 256), N (S 205)

ماخذ: یافته‌های پژوهش

در ادامه تلاش می‌شود تا مضامین پایه که مربوط به وظایف حاکم نسبت به مردم بوده و می‌تواند در بهبود و تقویت مردم‌سالاری در نظام اداری حائز اهمیت باشد، طبق جدول ۴ مورد احصا قرار گیرد.

جدول ۴. احصای مضامین پایه «مردم‌سالاری»

مضامین پایه	منبع
برقراری عدالت توزیعی در جامعه	حشر، آیه ۷ / نهج‌البلاغه، نامه ۵۳
باور به عظمت و قدرت مردم	اسراء، آیه ۷۰ / نهج‌البلاغه، نامه ۱۲ / نهج‌البلاغه، خطبه ۴۰
بهره‌مندی مردم از منابع، امکانات و مزایای جامعه	بقره، ۲۹
پرهیز از رفتارهای سلیقه‌ای	نهج‌البلاغه، حکمت ۳۲۴
احترام به نظرهای مخالف و نقدپذیر بودن حاکم	نهج‌البلاغه، نامه ۵۳
تامین آسایش و آسودگی مردم	بقره، آیه ۱۲۶ / عنکبوت، آیه ۶۷
واگذاری مسئولیت به افراد لایق و توانمند	نهج‌البلاغه، نامه ۱۶۷
احترام به آزادی‌های مدنی	نهج‌البلاغه، نامه ۳۱ / بقره، ۲۵۶
حق دسترسی مردم به اطلاعات سازمان‌های دولتی	نهج‌البلاغه، نامه ۵۰
ایجاد زمینه مشارکت فعال مردم در روند تحول و اداره جامعه	مائده، آیه ۲ / نهج‌البلاغه، نامه ۵۳
توجه به قضاوت مردم در خصوص اخذ مالیات توسط دولت	نهج‌البلاغه، نامه ۲۵
پرهیز از خشونت در قبال مردم	نهج‌البلاغه، نامه ۵۳
پرهیز از سختدلی و تندخویی با مردم	آل عمران، ۱۵۹
بهبود رابطه حاکم با مردم بر مبنای نظام پاسخگویی	نهج‌البلاغه، نامه ۱۶۷
دوری جستن حاکم از ستایشگری دیگران در قبال وی	آل عمران، ۸۸۴ / نهج‌البلاغه، حکمت، ۴۷۱
نظرخواهی از مردم و خردمندان در سیاستگذاری‌ها	نمل، آیه ۳۲ / نمل، آیه ۳۲
پرهیز حاکمان از دروغ و تعامل با مردم بر مبنای راستی	توبه، ۱۱۹ / صف، آیات ۲ و ۳
مقاومت در برابر درخواست‌های شخصی و جاه‌طلبانه اطرافیان	نهج‌البلاغه، نامه ۵۳
اهتمام جهت کسب علوم و دانش حکومتداری	نهج‌البلاغه، نامه ۵۳ و ۶۷
دوری جستن از جاه‌طلبی و ریاست‌طلبی	نهج‌البلاغه، حکمت ۲۷۰ / نهج‌البلاغه، نامه ۵۰
پرهیز از عیب‌جویی و تجسس و کشف اسرار زندگی مردم	نهج‌البلاغه، نامه ۵۳

ماخذ: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در جدول ۴ ملاحظه می‌گردد تعداد ۲۱ مضمون پایه (تم‌های بالقوه) مورد شناسایی قرار گرفت و در ادامه، پژوهشگر طبق جدول ۵ هر یک از مضامین پایه که دارای بار معنایی مشترکی بودند در یک طبقه قرار داده و سپس به هر طبقه یک مفهوم سازمان‌دهنده تخصیص یافت.

جدول ۵. طبقه‌بندی مضامین پایه دارای بار معنایی مشترک و تخصیص مضمون سازمان‌دهنده

طبقه‌بندی مضامین پایه	تخصیص مضمون سازمان‌دهنده
برقراری عدالت توزیعی در جامعه بهره‌مندی مردم از منابع، امکانات و مزایای جامعه	توجه به نفع عامه از طریق توزیع عادلانه درآمد و ثروت
توجه به قضاوت مردم در خصوص اخذ مالیات توسط دولت باور به عظمت و قدرت مردم پرهیز از سختدلی و تندخویی با مردم	سالم‌سازی ابزارهای درآمدی دولت حکمرانی مبتنی بر اراده مردم
حق دسترسی مردم به اطلاعات سازمان‌های دولتی بهبود رابطه حاکم با مردم بر مبنای نظام پاسخگویی	ایجاد شفافیت در عملکرد سازمان‌های دولتی
ایجاد زمینه مشارکت فعال مردم در روند تحول و اداره جامعه نظرخواهی از مردم و خردمندان در سیاستگذاری‌ها	بهبود مشارکت سیاسی آحاد جامعه
احترام به آزادی‌های مدنی پرهیز از خشونت در قبال مردم پرهیز از عیب‌جویی و تجسس و کشف اسرار زندگی مردم	رعایت حقوق مردم
دوری جستن حاکم از ستایشگری دیگران در قبال وی دوری جستن از جاه‌طلبی و ریاست‌طلبی پرهیز حاکم از دروغ و تعامل با مردم بر مبنای راستی	تهذیب نفس و آراستن روح از رذایل اخلاقی
احترام به نظرهای مخالف و نقدپذیر بودن حاکم	انجام اصلاحات در حکومت از طریق زمینه‌سازی در انتقادورزی از سوی مردم
اهتمام جهت کسب علوم و دانش حکومتداری	زامداری و ساختن جامعه بر مبنای عقلانیت علمی
تامین آسایش و آسودگی مردم	ایجاد امنیت روانی در جامعه
واگذاری مسئولیت به افراد لایق و توانمند	بکارگماری افراد شایسته در مصادر امور حکومت
پرهیز از رفتارهای سلیقه‌ای مقاومت در برابر درخواست‌های شخصی و جاه‌طلبانه اطرافیان	قانون‌مداری و عمل بر مبنای قانون

مأخذ: یافته‌های پژوهش

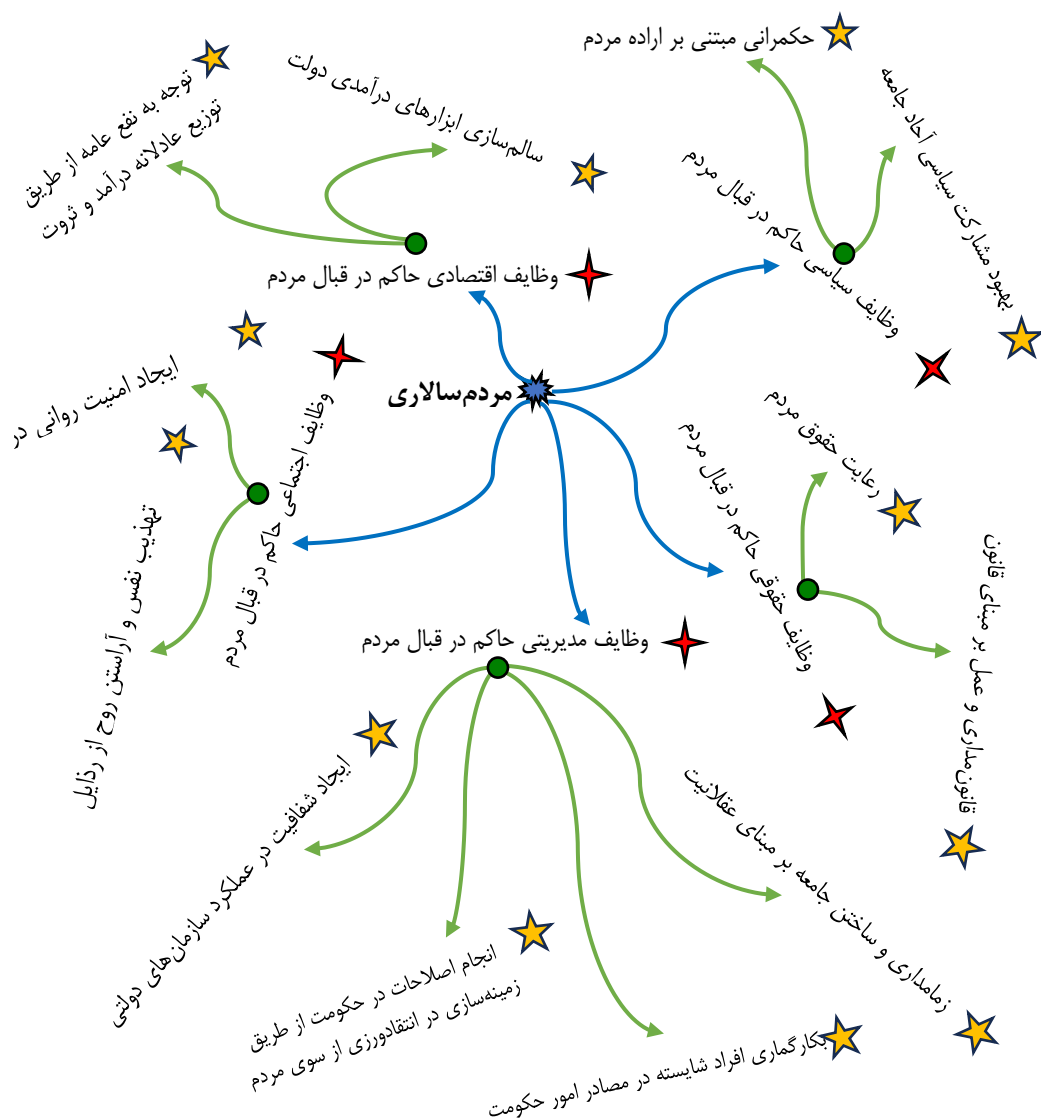
در ادامه، با توجه به طبقه‌بندی مضامین پایه و تخصیص مضامین سازمان‌دهنده به هر یک از این طبقات، به‌منظور شکل‌گیری مضامین فراگیر سعی گردید مضامین سازمان‌دهنده که دارای بار معنایی نزدیکی و مشابه به یکدیگر می‌باشند در یک طبقه قرار گرفته و سپس به هر طبقه یک مضمون فراگیر تخصیص یابد. از آنجایی که در این مطالعه در صدد تبیین الگوی مردم‌سالاری در نظام اداری بوده‌ایم، در تخصیص مضامین فراگیر سعی گردید تا وظایف حاکم در قبال شهروندان طبق جدول ۶ مورد توجه قرار گیرد.

جدول ۶. تخصیص مضامین فراگیر

تخصیص مضمون فراگیر	طبقه‌بندی مضامین سازمان‌دهنده
وظایف سیاسی حاکم در قبال مردم	بهبود مشارکت سیاسی آحاد جامعه حکمرانی مبتنی بر اراده مردم
وظایف اقتصادی حاکم در قبال مردم	توجه به نفع عامه از طریق توزیع عادلانه درآمد و ثروت سالم‌سازی ابزارهای درآمدی دولت
وظایف اجتماعی حاکم در قبال مردم	ایجاد امنیت روانی در جامعه تهذیب نفس و آراستن روح از رذایل اخلاقی
وظایف حقوقی حاکم در قبال مردم	رعایت حقوق مردم قانون‌مداری و عمل بر مبنای قانون
وظایف مدیریتی حاکم در قبال مردم	انجام اصلاحات در حکومت از طریق زمینه‌سازی در انتقادورزی از سوی مردم زامداری و ساختن جامعه بر مبنای عقلانیت علمی بکارگیری افراد شایسته در مصادر امور حکومت ایجاد شفافیت در عملکرد سازمان‌های دولتی

مأخذ: یافته‌های پژوهش

طبق جدول ۶ می‌توان اذعان داشت که هر یک از مضامین فراگیر به‌عنوان سازه‌های الگوی مردم‌سالاری در نظام اداری در نظر گرفته شده‌اند. بنابراین، «مردم‌سالاری در نظام اداری» به‌عنوان مفهوم اصلی الگوی پژوهش قلمداد می‌گردد. با بررسی و مطالعه در آموزه‌های اسلامی سعی شد تا الگویی از موضوع مردم‌سالاری استخراج و تبیین گردد و در همین راستا، شبکه مضامین مردم‌سالاری طبق شکل ۱ ترسیم گردید.



شکل ۱. شبکه مضامین مردم‌سالاری در نظام اداری
(مأخذ: یافته‌های پژوهش)

بحث و نتیجه‌گیری

نظام اداری با توجه به تمامی ارکان و عناصر آن می‌بایست در جامعه اسلامی بر مبنای خدمت به مردم شکل گرفته و به حرکت در آید که در این صورت می‌توانیم شاهد افزایش اعتماد عمومی و مشروعیت حکومت باشیم. مردم‌سالاری باید موجب حکمرانی خوب در یک

جامعه اسلامی شود که اساس این حکمرانی بر جنبه‌های الهی و توحیدی استوار است. خدمت به مردم وظیفه دولت و نهادهای وابسته به آن است و مهم‌ترین وظایف کارگزاران دولتی این است که از روی شایستگی، مهربانی و شرافتمندانه طبق موازین قانونی و نه مستبدانه، با خلق خدا از روی عدالت رفتار کنند. حکمرانی خوب از دیدگاه آموزه‌های اسلامی را می‌توان در مردم‌سالاری ملاحظه کرد و در این راستا باید اذعان داشت که منشأ مشروعیت حکومت در اسلام، خداوند است و از دیدگاه اسلام، مفهوم حکمرانی خوب و مؤلفه‌هایش باید با در نظر گرفتن بسترهای توحیدی و معنوی تبیین شود و جایگاه حکومتی فقط به‌عنوان تکلیف، خدمت و خدمت‌رسانی شایسته به افراد جامعه است. از این‌رو، نگارنده نوشتار حاضر بر این باور است که مردم‌سالاری در نظام اداری موجب بهبود حکمرانی در جامعه شده و بر این اساس می‌توانیم شاهد شکل‌گیری حکمرانی توحیدی و الهی باشیم، که در آن اساس تفکر و اندیشه سیاستمداران و کارگزاران دولتی معطوف به خدمت‌رسانی شایسته به شهروندان است. هدف اصلی این مطالعه، تبیین مضامین مردم‌سالاری در نظام اداری در پرتو آموزه‌های اسلامی بوده است و نگارنده بر این باور است که مردم‌سالاری تعارضی با مفهوم مدرن شهروندمداری ندارد و واژه مردم‌سالاری به تناسب زمانه خود، بیانگر رعایت حقوق مردم توسط حاکمان و کارگزاران دولتی بوده است و امروزه نیز شاهد آن هستیم که بسیاری از دولت‌ها با تبیین منشور حقوق شهروندی درصدد بهبود حکمرانی از طریق افزایش رضایتمندی شهروندان و احترام به خواست و اراده آنان هستند. با توجه به مسئله فراروی پژوهش حاضر از راهبرد تحلیل مضمون استفاده شد و در این راستا تعداد ۲۱ مضمون پایه یا تم‌های بالقوه مردم‌سالاری در نظام اداری، ۱۲ مضمون سازمان‌دهنده و پنج مضمون فراگیر احصا شد و سپس با محوریت مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر، شبکه مضامین مردم‌سالاری در نظام اداری تبیین شد. با توجه به توضیحات مطروحه می‌توان اذعان داشت که رعایت حقوق متقابل مردم و دولت، موجب خواهد شد تا حق و نشانه‌های عدالت در جامعه، نهادینه و موج امیدواری نزد مردم مشاهده و احساس شود. مردم‌سالاری از جمله مفاهیم بنیادین در یک جامعه دموکراتیک محسوب می‌شود و این مفهوم باید در تاروپود نظام اداری یک جامعه و نزد سیاستمدان و کارگزاران دولتی آن نهادینه شود تا از این طریق شاهد جاری‌سازی رویکرد خادمیت و خدمت‌گزاری و ارائه خدمات با کیفیت به مردم و جامعه باشیم. با مطالعه آموزه‌های اسلامی مشخص شد که هیچ‌گونه تعارضی بین اصول و قواعد مردم‌سالاری با اصول و مبانی اسلامی وجود ندارد و این مهم از ابزارهای اصلی حکومت اسلامی است. طبق آموزه‌های اسلامی، حکومت فقط زمانی اعتبار می‌یابد که وسیله‌ای جهت تحقق اهداف الهی و انسانی و ابزار برپایی عدالت و رفاه همگانی و بستر تعالی انسان باشد. حکومت در دولت اسلامی و برای تحقق اهداف و آرمان‌های آن به‌وجود می‌آید و بخشی از نظام سیاسی جامعه است که مهم‌ترین آن اهداف، حفظ مصالح و حقوق افراد جامعه بر مبنای منافع ملی است. در چنین اندیشه‌ای، شهروندان نیز تنها موجودات خردمند آزادند که در قالب کلی ملت و قالب فردی شهروند و تبعه تجلی می‌یابند. حکومت و نظام اداری آن ابزاری برای بیان ارزش‌ها، اولویت‌های شهروندان و جامعه به‌عنوان یک کل به‌شمار می‌آید که برخی از این ارزش‌ها ثابت بوده و برخی هم‌زمان با تکامل جامعه تغییر می‌کنند و این نکته‌ای است که می‌بایست مورد توجه جدی حاکمان و کارگزاران دولتی قرار گیرد. جوامع امروزی، جوامعی در حال تکامل هستند و ارزش‌های غالب در جوامع نظیر دموکراسی، عدالت و برابری، آزادی‌های فردی و مشروع و ... به تناسب توسعه علوم و فناوری‌ها، تغییر ادراک و نگرش مردم، تغییر در سبک زندگی و ... مورد بازآفرینی قرار می‌گیرند و حاکمان و کارگزاران دولتی جهت پاسخ صحیح و به‌هنگام به تغییر این ارزش‌ها، باید توانایی تبیین خط‌مشی‌های مؤثر را داشته و به‌جای هم‌وردی با شهروندان، به‌سوی سازوکارهای سیاسی و اداری با هدف بهبود حکمرانی روی آورند. در ادامه، پیشنهادهای پژوهش به شرح زیر ارائه می‌شود:

- گفتمان‌سازی میان ملت و دولت با هدف هم‌دل شدن و هم‌فکر شدن سیاستمداران و کارگزاران دولتی با مردم، نه صرفاً هم‌زبان شدن با آن‌ها.
- به‌کارگیری سیاستمداران در مشاغل سیاسی و کارگزاران دولتی در مشاغل مدیریتی به‌ترتیب بر مبنای شایستگی‌های سیاسی و اداری، به‌دور از دخالت عامل سیاست در انتصابات مشاغل کلیدی سیاسی و اداری.

- بسترسازی جهت مشارکت مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد در اداره امور جامعه از طریق بازنگری در ساختار سیاسی و اداری کشور با محوریت عدم تمرکز سیاسی و اداری و واگذاری اختیار به سطوح استانی و محلی.
- استفاده از ظرفیت رسانه‌ها جهت بهبود حکمرانی با هدف افزایش آگاهی شهروندان، سیاستمداران و کارگزاران دولتی از حقوق، وظایف و تکالیف‌شان در جامعه.
- بهبود اعتماد عمومی در جامعه از طریق ترویج اتحاد و دوستی میان شهروندان و اقوام، و همچنین شهروندان با حاکمان و پرهیز از اعمال خشونت در برابر شهروندان.
- توسعه و توانمندسازی شهروندان به‌منظور بهبود مشارکت آنان در اداره امور جوامع محلی، حاشیه‌ای و محروم، و بهبود وضعیت زندگی گروه‌های آسیب‌پذیر.
- تبیین مرامنامه اخلاقی ویژه سیاستمداران و کارگزاران دولتی با هدف ارتقای مسئولیت اخلاقی آنان در قبال مردم از طریق یکپارچگی بین گفتار (وعده‌ها) و رفتار (اقدام) با هدف کاهش فاصله و شکاف بین آنان با مردم.
- جهت بهبود حکمرانی در ایران شایسته است تا سند منشور حقوق شهروندی در نظام اداری ایران که در سال ۱۳۹۲ به تمام دستگاه‌های اجرایی کشور ابلاغ شد، از تصویب‌نامه به قانون ارتقا یابد.

حمایت مالی

نویسندگان این مقاله هیچ‌گونه حمایت مالی برای انجام پژوهش، نگارش یا انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

سپاسگزاری

نویسندگان از داوران ناشناس مقاله که با پیشنهادهای خود به بهبود کیفیت آن کمک کردند، قدردانی می‌کنند. شایان ذکر است مسئولیت محتوای این مقاله به‌طور کامل بر عهده نویسندگان است.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که در ارتباط با این مقاله، هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

مآخذ

- امینی، علی اکبر (۱۳۸۷). چگونه واژگان بازیچه دست سیاست می‌شوند. *فصلنامه علوم سیاسی و روابط بین‌المللی*، ۲۵۵، ۲۲۱-۲۱۲.
- امیری، علی نقی؛ و بنافی، مسعود (۱۴۰۳). تحلیلی بر گرایش به مطالعات دینی و معنوی در رشته مدیریت در عرصه ملی و بین‌المللی. *پژوهش‌های مدیریت عمومی*. ۱۷(۶۴)، ۴-۴۰.
- جلالی، محمد؛ و ضیائی، رضوان (۱۳۹۲). نقش آمبودزمان‌ها در توسعه و ارتقای مردم‌سالاری. *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، ۱۵(۳۹)، ۱۶۶-۱۲۹.
- دلیر، نیره (۱۳۹۳). گفتمان رعیت و راعی در نظام اندرزنامه‌ای دوره اسلامی. *فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر*، ۵(۱۳)، ۸۲-۶۲.
- شاهسوار، زینب؛ و پورعزت، علی اصغر (۱۳۹۹). واکاوی جلوه‌های اخلاق اسلامی در سازمان: پژوهشی مبتنی بر تحلیل مضمون در نهج‌البلاغه. *فصلنامه مطالعات مدیریت دولتی ایران*، ۳(۲)، ۵۸-۳۵.
- طوسی، محمدعلی (۱۳۷۰). دیوان‌سالاری و مردم‌سالاری. *فصلنامه فرایند مدیریت و توسعه*، ۵(۱)، ۵۸-۵۴.
- عباسی، بیژن (۱۳۸۷). بررسی روش‌های اعمال مردم‌سالاری مستقیم و نیمه مستقیم. *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*، ۳۸(۲)، ۳۵-۲۱۵.
- محمدی، حامد (۱۳۹۷). مطالعه تحلیلی یکپارچگی بین گفتار و رفتار مدیران دولتی از منظر اسلام و غرب. *دو فصلنامه دین، معنویت و مدیریت (اسلام و مدیریت سابق)*، ۷(۱۴)، ۲۳-۵.
- محمدی، حسین؛ مزیدی، محمد؛ و بهشتی، سعید (۱۳۹۷). تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام و پراگماتیسم. *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۱۲(۴۲)، ۲۶۶-۲۳۳.
- محمدی مقدم، سنبل؛ بهره‌مند، مهدی؛ و افضل‌گروه، روح‌الله (۱۴۰۰). جایگاه عرف در تبیین حقوق شهروندی از نظر فقه اسلام با تأکید بر نهج‌البلاغه. *فصلنامه پژوهش‌های بین‌المللی*، ۱۱(۴)، ۲۶۵-۲۳۹.
- واعظی، رضا؛ خان‌محمدی، هادی؛ دلشاد تهرانی، مصطفی؛ و اصلی‌پور، حسین (۱۳۹۷). طراحی الگوی مفهومی عوامل پیش‌برنده و بازدارنده مشارکت شهروندی در نهج‌البلاغه. *فصلنامه مدیریت اسلامی*، ۲۶(۲)، ۶۵-۸۹.
- Abbasi, B. (2009). The Study of the Methods of Direct and Semi- Direct Democracy. *Private Law Studies Quarterly*, 38(2), 215-235. (in Persian)
- Al-Anani, k. (2018). The Muslim Brotherhood's Conception of Citizenship Rights in Egypt. *Contemporary Arab Affairs*, 11(3), 25-46.
- Álvarez-Vergnani, C. (2019). Participation caudatan: retos para una ciudadanía activa ante el cambio climático. *UNED Research Journal*, 11(1), 78-88.
- Amini, A. A. (2008). How words become playthings in the hands of politics. *Quarterly Journal of Political Science and International Relations*, 255, 212-221. (in Persian)
- Amiri, A.N., & Banafi, M. (2024). An Analysis of the Tendency Towards the Religious and Spiritual Studies in Management in the National and International Areas. *Public Management Researches Journal*. 17(64). 4-40 (in Persian).
- Bokov, Y. (2019). *Conceptus "citizen" and "subject": dynamics and prospects of development*. SHS Web of Conferences 69, 00024 (2019), Cildiah-2019.
- Carvalho, D., Demo, G., Medeiros, J., & Scussel, F. (2020). Citizen Relationship Management: the past, present, and future of an emerging concept. *Cadernos Ebape*, 19(1), 32-44.
- Chen, N., & Yang, T. C. (2016). Islamand Democracy –A Dynamic Perspective. *Japanese Journal of Political Science*, 17(3), 329-364.
- Committee on Citizenship and Civic Engagement. (2019). *The Ties that Bind: Citizenship and Civic Engagement in the 21st Century*. Report of Session 2017–19. House of Lords.

- Cooper, T., & Luther Gulick, L. (1984). Citizenship and Professionalism in Public Administration. *Public Administration Review*, 44, 143-151.
- Dalir, N. (2014). Discourse of the (Ra'yat) and (Ra'ee) in the Book of precept' system of the Islamic Historical Period. *Contemporary Political Studies*, 5(13), 62-82. (in Persian)
- Denhardt, R. B., & Denhardt, J. V. (2000). The New Public Service: Serving Rather than Steering. *Public Administration Review*, 60(6), 549-559.
- Dupuy, C., & Defacqz, S. (2022). Citizens and the legitimacy outcomes of collaborative governance an administrative burden perspective. *Public Management Review*, 24(5), 752-772.
- Gao, H. (2021). Analysis of Citizenship for AI, Advances in Economics. *Business and Management Research*, 85, 622-626. <https://www.researchgate.net/publication/361417520>
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (2005). *Paradigmatic Controversies, Contradictions, and Emerging Confluences*. In N. K. Denzin & Y. S. Lincoln (Eds.), *Handbook of Qualitative Research*. Third Edition, Thousand Oaks, CA: Sage.
- Hughes, O. E. (1998). *Public management and administration: An introduction*. London: Macmillan Press Ltd.
- Igalla, M., Edelenbos, J., & van Meerkerk, I. (2019). Citizens in Action, What Do They Accomplish? A Systematic Literature Review of Citizen Initiatives, Their Main Characteristics, Outcomes, and Factors. *International Society for Third – sector Research*, 30, 1176-1194.
- Jalali, M., & Ziaei, R. (2013). The Role of Ombudsmen in Development and Progression of Democracy. *Public Law Research*, 15(39), 129-166. (in Persian)
- Kamali, M. H. (2013). Citizenship and Accountability of Government: An Islamic Perspective. *Fundamental Rights and Liberties in Islam series*, 20, 141-155.
- Khodaverdian, S. (2022). Islam and democracy. *International Review for Social science*, 75(4), 580-606.
- Lamsal, B. P., & Gupta, A. K. (2021). Citizen Satisfaction with Public Service: What Factors Drive? *Policy & Governance Review*, 6(1), 78-89.
- Lee, Y. (2021). *Government for Leaving No One Behind: Social Equity in Public Administration and Trust in Government*. Sage Open, 1-11.
- Mattijssen, T., Buijs, A., Elands, B., Arts, B., van Dam, R. I., & Donders, J. (2019). The Transformative Potential of Active Citizenship: Understanding Changes in Local Governance Practices. *Sustainability*, 11, 1-16.
- Mohammadi Moghaddam, S., Bahrehmand, M., & Afzali Gorouh, R. (2022). The place of custom in explaining citizenship rights according to Islamic jurisprudence based on Nahj al-Balaghah. *International Relations Research Quarterly*, 11(4), 239-265. (in Persian)
- Mohammadi, H. (2019). Analytical Study of Government Executives' Words-Action Integrity from the Perspective of Islam and the West. *Studies of Religion, Spirituality & Management*, 7(14), 5-23. (in Persian)
- Mohammadi, H., Mazidi, M., & Beheshti, S. (2018). Citizenship Education from the Perspective of Islam and Pragmatism. *Social Science*, 42(12), 233-266. (in Persian)
- OECD. (2019). *Towards people-centric public services*. Government at a Glance 2019 © OECD 2019.
- Oyesanya, O. S., & Ajani, S. T. (2022). *Islamic Concept of Citizenship and Social responsibilities in the Contemporary World*, 1-22. <https://www.researchgate.net/publication/361417520>

- Rosenbloom, D. (1989). *Public Administration: Understanding Management Politics and Law in the public sector*. Random House.
- Rosenbloom, D., & Rene, H. (2010). *Foundations of Public Administration: Administrative Law*. Public Administration Review (PAR).
- Shahsavari, Z., & Pourezat, A. A. (2020). Exploring the manifestations of the Islamic ethics in organization: A research based on thematic-analysis methodology in Nahj Al-Balaghah. *Journal of Iranian Public Administration Studies*, 3(2), 35-58. (in Persian)
- Sharma, D. (2012). An Evaluation of a Citizen's Charter in Local Government: A Case study of Chandigarh. *India JOAAG*, 7(1), 86-95.
- Tusi, M. A. (1991). Bureaucracy and Democracy. *Management and Development Process Quarterly*, 5(1), 54-58. (in Persian)
- United States Institute of Peace. (2002). *Islam and Democracy*. Special Report, Washington, DC. www.usip.org
- Vaezi, R., Khanmohammadi, H., Delshad Tehrani, M., & Aslipour, H. (2018). Designing a Conceptual Model of Driving and Preventive Factors of Civic Participation in Nahjulbalaghah. *Islamic Management*, 26(2), 65-89. (in Persian)
- Wilson, W. (1887). The study of Public Administration. *Political Science Quarterly*, 2(2), 197-222.
- Xiaodong, L., Xiaoping, L., & Feng, F. (2019). Research on Citizen Participation in the Implementation of Public Policy in Big Data Age. *Journal of Physics*, 8(3), 1-8.